

## مقاله پژوهشی: مفهوم‌شناسی امنیت در قرآن و زمینه‌های شکل‌گیری آن با تأکید بر روش معناپژوهشی ایزوتسو

علیرضا نوبری<sup>۱</sup>، علی اسماعیلی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۴

### چکیده

امنیت از مفاهیم کلیدی قرآن است که در گستره‌ای وسیع همراه با ارتباطیابی با مفاهیمی متنوع، بازتابی معنادار یافته است. قرآن مفهوم امنیت را در قالب واژگان متفاوت، نظیر اَمْن، ایمان و استیمان و... در کنار مفاهیم محوری «سلام»، «اطمینان» و «عدم خوف» به کار برده تا روابط معنایی ویژه‌ای را ترسیم کند که برآیند آن نوع خاصی از جهان‌بینی در چگونگی تلقی جامعه از مفهوم امنیت و فرایند رسیدن به جامعه‌ای امن است. در این راستا از روش معناشناسی ایزوتسو استفاده شده است که بر اساس آن، فهم معنای امنیت و ترسیم شبکه معنایی آن در چهارچوب روابط هم‌نشینی و جانشینی مورد بررسی قرار گرفته است. برای تبیین تحول معنای امنیت و نیل به معنای نسبی آن، مفاهیم جانشین‌شده امنیت، مانند «سلام»، «اطمینان» و «سکینه» تبیین شد. در ادامه، واژگان متضاد هم‌نشین با امنیت نظیر «مکر»، «بأس»، «خسران»، «خوف» و ... استخراج و تبیین گردید. نکته مهم اینکه تأمین امنیت مستلزم لوازمی است، نظیر داشتن سرزمین و محل استقرار، دلیل‌محور بودن، برنامه‌های دقیق رونق اقتصادی و دفاعی، تحول باورها و رفتارها و داشتن استحکامات نظامی.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت، مفهوم جانشین، مفهوم هم‌نشین، سلام، اطمینان، خوف

۱. عضو هیئت علمی دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) a. nobari@ut.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی emaili22@ut.ac.ir

## مقدمه

معناشناسی (Semantic) دانشی است که به بررسی معنا می‌پردازد (مختار عمر، ۱۳۸۶: ۱۹). این دانش که دهه‌های اخیر در کانون توجه زبان‌شناسان قرار گرفته، به دنبال فهم دقیق‌تری از واژگان به کار رفته در ترکیب‌های بیانی است. معناشناسی، یک متن تأسیسی را به صورت یک مجموعه نظام‌مند و واحد مطالعه می‌کند که هر کدام از اجزای تکمیل‌کننده، ناظر و شاهد اجزای دیگر است (ایزوتسو: ۱۳۶۱: ۵). معنای لازم و کافی یا آنچه مؤلفه‌های معنایی یک واژه نامیده می‌شود، در یک حوزه معنایی، یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند که در رابطه متناظر با یکدیگرند. ایزوتسو، مستشرق قرآن‌پژوه معاصر، با استفاده از این دانش و مبانی معناشناسی فردینال سوسور، در دو اثر «خدا و انسان در قرآن» و «مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن» تلاش کرده است تا مباحث قرآنی را با رویکردی معناشناسانه تبیین کند. در این روش، دو اصل مهم هم‌نشینی و جانشینی مورد توجه بوده است. این دو اصل بر این امر مترتب است که زبان مجموعه‌ای از عناصر جدا و مستقل نیست، بلکه نظامی است متشکل از عناصری که با یکدیگر ارتباط دارند. این نوع ارتباط با نام روابط هم‌نشینی شناخته می‌شود؛ ولی معنا صرفاً با روابط هم‌نشینی کامل نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد اجزای جمله با واحدهای غایب ارتباط می‌یابند و فهم عناصر آن در گرو بهره‌گیری اصل دیگری است که با نام اصل جانشینی شناخته می‌شود. در روابط جانشینی با توجه به مفاهیم مترادف و متضاد، سعی در به دست آوردن معنای مورد نظر می‌شود (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

هدف مقاله، شناخت و استخراج معنای امنیت با توجه به دو عنصر جانشینی و هم‌نشینی برای به دست آوردن شبکه معنایی آن است تا پاسخی درخور به پرسش از معنای امنیت در قرآن و زمینه‌های شکل‌گیری آن به دست آید؛ چراکه مفهوم امنیت از مفاهیم کلیدی قرآن است که در گستره‌ای قابل توجه همراه با ارتباطیابی با مفاهیمی متنوع، بازتابی معنادار یافته است. رسیدن به معنای مورد نظر قرآن در مفهوم کلیدی امنیت نیازمند تمسک به فرآیندی روش‌محور است؛ روشی که با توجه به کاربردی کردن آن توسط ایزوتسو، به روش معناشناسی ایزوتسو شهرت یافته است. در این فرایند نخست معنای پایه و اساسی

امنیت شناسایی شده و در مرحله بعد به منظور رسیدن به معنای نسبی آن با توجه به مفاهیم جانشین شده و همچنین با عنایت به مفاهیم هم‌نشین تلاش شده است تحول معنایی این مفهوم در دستگاه معرفتی قرآن بر اساس ترسیم ضمنی شبکه معنایی آن ره‌گیری شود.

### امنیت، مهم‌ترین نیاز انسان

«امنیت» مهم‌ترین گمشده انسان است که برای یافتن آن چشم امید به هر سوی می‌دواند! افزایش آمار قتل‌ها، دزدی‌ها و تجاوز به عنف و هزاران نوع جرم و خطای فردی و اجتماعی دیگر بهترین و روشن‌ترین دلیل این مدعاست. بدون شک امنیت یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی بشر است که وجود آن از نخستین ضروریات محسوب می‌شود و بدون آن زندگی سعادت‌مند برای تمامی مردم، امکان‌پذیر نمی‌باشد، امری که در واقع منشأ و زیربنای تمامی امور بوده و با فقدان آن، هیچ‌گونه فعالیت فردی و اجتماعی به‌ویژه چه در عرصه فرهنگی و چه در عرصه‌های دیگر انجام نخواهد پذیرفت.

امنیت در فرهنگ دینی و اسلامی از جایگاه بالایی برخوردار است و به اهمیت و ارزش این نیاز اجتماعی در آیات متعددی، از قرآن اشاره شده و در برخی از آیات نیز، قبل از پرداختن به امور دیگر این موضوع مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است. از جمله در آیه ۱۲۶ سوره مبارکه بقره مبنی بر دعای پیامبر بزرگ الهی، حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> درباره سرزمین و اهل مکه که می‌فرماید: «و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق اهله من الثمرات مَنْ اَمَّنْ مِنْهُمْ بِاللَّهِ و الْيَوْمِ» الاخر؛ (بقره، ۱۲۶) و به یاد آور هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را - آن‌ها که ایمان به خدا و روز قیامت آورده‌اند - از ثمرات [گونگون] روزی فرما».

توجه به مقوله امنیت در فرهنگ اسلامی، منحصر به آیات قرآن نمی‌باشد، بلکه در احادیث و روایات متعددی که از جانب معصومان<sup>(ع)</sup> صادر گردیده نیز توجه به این امر جایگاه ویژه‌ای دارد.

حضرت امام صادق (ع) فرمودند: سه چیز است که تمامی مردم بدان نیازمندند: «امنیت، معیشت و عدالت» (معارف، ج ۲: ۵۲۳).

موضوع امنیت، نه تنها در اسلام بلکه در تمامی مکاتب بشری و نزد تمامی عقلا و اندیشمندان عالم جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است تا جایی که از نظر آنان اصولاً پایه‌ریزی و ایجاد یک تمدن و زندگی انسانی اصیل بدون آن ممکن نیست؛ همان‌گونه که ویل دورانت - مورخ و محقق مشهور مغرب زمین - در کتاب خود «تاریخ تمدن» این نکته را متذکر شده است: «ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق دهد» (ویل دورانت، ج ۱: ۵).

### مفهوم‌شناسی امنیت

امنیت از ریشه «آمن»، معنایی ضد ترس دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۸۸). برخی لغت‌شناسان واژه «آمن» را هم‌معنای «سَلِم» دانسته و کاربردهای آن را در سکون و آرامش قلب دانسته‌اند. (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۲۴). راغب اصفهانی آن را آرامش نفس و از بین رفتن ترس معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۹۰). در مجموع این واژه به معنای آرامش حاکی از نبود هرگونه عامل ترس‌آور است که سلامت فضا را به همراه دارد.

این معانی ناظر بر واژه «آمن» دربرگیرنده دو بعد ایجابی و سلبی در مفهوم امنیت است؛ از یک سو مَبین آرامش و سلامت فضا و وجود اطمینان نسبت به امور پیرامون است و از سوی دیگر بیان‌گر نبود ترس و اضطراب بر اثر تحول و تغییر وضعیت موجود می‌باشد. متعلق ترس که در معناشناسی به‌عنوان ضد امنیت دانسته شد، تهدید نسبت به وجود هر امری است که برهم‌زننده وضعیت پایدار فعلی باشد. در زبان انگلیسی واژه «Security» معادل امنیت است. این کلمه با توجه به کاربرد پر دامنه‌اش، به معنای سخت، پابرجا، محکم و یا مطمئن و قابل اعتماد و تضمین دانسته شده است (Oxford, 2005, P.1155).

سویین، از صاحب‌نظران حوزه امنیت، معنای امنیت را در جنبه مثبت آن به حوزه اجتماع نسبت می‌دهد و با ارائه تبیینی خاص، آن را مفهومی دارای دو طرف معرفی می‌کند: یکی معنای مثبت احساسی و دیگری معنای منفی آزادی از تهدیدات (سویین، ۱۳۹۰: ۵۹).

سویین در این تبیین، امنیت را مقوله‌ای درونی و احساسی تلقی کرده است؛ البته به انحصار معنای امنیت در این نوع از روابط قائل نیست، بلکه سعی دارد مفهوم نهادینه‌شده از این موضوع را که بیشتر جنبه بیرونی و سلبی دارد توسعه دهد و نشان دهد امنیت تنها به حفاظت سخت و برنامه‌ریزی‌شده اطلاق نمی‌شود، بلکه امنیت می‌تواند در روابط عاطفی و احساسی نیز جریان یابد و نباید این نوع دوم را در مفهوم امنیت نادیده گرفت. وی سعی دارد دو برداشت فوق را مکمل یکدیگر نشان دهد تا امنیت در چنبره افراط خاص حبس نشود و جنبه انسانی آن که با روابط عاطفی همراه است نیز در فرایند سیاست‌گذاری‌های کلان دیده شود (همان).

سویین در این تحلیل، ضمن عنایت به پیشینه روان‌شناختی واژه «Security»، به این نکته نیز توجه کرده است که گستره استعمالی اولیه آن بیشتر در جنبه فارغ‌البالی بوده است تا در مفهوم ترس و دغدغه‌داری. سویین بعد از بررسی لغوی امنیت در دو فرهنگ انگلیسی و فرانسوی چنین نتیجه می‌گیرد: «در ریشه کلمه امنیت، آسودگی از ناامنی با کسب و تملک معرفت، اطمینان به قابل‌پیش‌بینی بودن امور و چیزها و اطلاع از نظم عینی وجود دارد» (همان: ۶۰). در این نتیجه‌گیری امنیت همراه با معرفت و شناخت معرفی شده است و وجود آن را زمانی می‌داند که نادانی رخت بر بسته باشد و شناخت جایگزین شده باشد.

باری بوزان نیز که نگاهی موسّع به مفهوم امنیت دارد، در تعریف امنیت، رابطه‌ای دوسویه را میان نوع تهدید و زمینه‌های آسیب‌پذیر برقرار می‌کند و فرایند امنیت را تلاش بازیگران آن در ارتقای بخشی جامعه می‌داند تا جایی که زمینه‌های آسیب به حداقل برسد (نصری، ۱۳۹۰: ۱۳۲).

پل. دی ویلیامز امنیت را کاهش تهدید نسبت به ارزش‌ها دانسته است، به‌ویژه تهدیدهایی که اگر مهار نشوند بقای موضوع خاصی را در آینده نزدیک به خطر

می‌اندازند (ویلیامز، ۱۳۹: ۳۹). با دقت در زوایای امنیت، مفهومی به ذهن متبادر می‌شود که برآیند روابط اجتماعی انسان‌ها و ویژگی‌های پیچیده و مرتبط میان فردی است. این مفهوم باعث تشخیص و قابل تعریف شدن جوامع می‌گردد. می‌توان نام این مفهوم را هویت جمعی نهاد. هویت دربرگیرنده ویژگی‌هایی از جامعه است که این توان را دارد تا انسجام کلی نظام اجتماعی موجود را حفظ کند و با شدت و ضعف آن، جامعه دچار تحول و گست می‌گردد (همان: ۹۵).

در مفهوم قرآنی، هویت جامعه ایمانی برآمده از تعاملات و انتخاب جمعی است که نسبت به دین فطری (نمل، ۳۰) انجام می‌گیرد و روند زندگی افراد جامعه متناسب با گزاره‌های رفتاری آن دین قانون‌مند می‌گردد و ماهیت جدیدی می‌یابد، به گونه‌ای که وحدت و یکپارچگی برآیند ملموس آن شناخته می‌شود. تعبیر متنوعی مانند «امت واحد» و تعبیر خطابی «یا ایها الذین آمنوا» و «یا ایها الذین کفروا» بیانگر تأیید شکل‌گیری هویت خاص در نظام‌های اجتماعی است.

امعان نظر در آیات متعدد قرآن مبین آن است که هویت و داشتن ساختار فکری و رفتاری قابل تشخیص، در فرایند امنیت‌ساز دخالت دارد. به همین دلیل است که قرآن بارها جامعه ایمانی را با ویژگی‌هایی مانند امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران، ۱۱۰)، تقوا و عمل صالح، ایمان جمعی و رفتار متناسب با آن بازمی‌شناسد و در مقابل، جامعه غیر ایمانی را با ویژگی‌هایی دیگر معرفی می‌کند، برای مثال در آیه ششم سوره توبه تأکید می‌کند فردی که از جامعه کفر برای تحقیق و شناخت حقیقت وارد جامعه ایمانی می‌شود باید بعد از بررسی‌هایش، بدون تعرض، به «مأمنش» رسانده شود، یعنی به جامعه‌ای که با افکار او هماهنگ است و در آن احساس امنیت دارد.

وجود و اهمیت ویژگی هویت در جامعه است که قرآن در موارد متعدد تأکید می‌کند جامعه ایمانی مواظب ماهیت ایمانی خود باشد و در برابر نفوذ یا پذیرش رفتارهایی که موجب ساختارشکنی است با حساسیت عکس‌العمل نشان دهد. اساساً امنیت اجتماعی در جامعه ایمانی به استواری و ویژگی‌های فکری و رفتاری جامعه برمی‌گردد که برآمده از

زمینه‌های ایمانی، یعنی دین فطری، است و عدم امنیت ناظر به نابودی این ساختار رفتاری است؛ بنابراین باید دانست وجود یا عدم آن موجب وجود یا عدم امنیت می‌گردد.

### کارکرد واژه امنیت و مفاهیم هم‌سو در قرآن

قرآن مفهوم امنیت را در قالب واژگان متفاوت مورد استفاده قرار داده است تا شبکه‌ای گسترده از معنا را در این موضوع ترسیم کند. آمن، ایمان، استیمان، مأمن و قالب‌های دیگر در این ماده در کنار مفاهیم محوری «سلام»، «اطمینان» و «عدم خوف»، روابط معنایی ویژه‌ای را ترسیم می‌کند که برآیند آن نوع خاصی از جهان‌بینی در چگونگی تلقی جامعه از مفهوم امنیت و فرایند رسیدن به جامعه‌ای امن است. با تحلیل مفهومی دو واژه «سلام» و «اطمینان» مشخص می‌گردد که این دو واژه دربرگیرنده معنایی هم‌افق با امنیت هستند که به دو کارکرد متفاوت آن‌ها اشاره می‌کند.

**الف) سلام:** سلام در لغت به معنای خالص شدن از آفات ظاهری و باطنی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۴۲۱). صاحب‌التحقیق آن را معنایی مقابل خصومت دانسته و می‌گوید: «هو ما یقابل الخصومه و هو الموافقه الشدیده فی الظاهر و الباطن بحیث لا یبقی خلاف البین» (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۱۸۹). ایشان مفاهیم انقیاد، صلح و رضایت را از لوازم این معنا دانسته و می‌گوید: چون اصل واژه لازم است، پس مفهومش ایجاد وفاق و رفع اختلاف و خصومت در نفس شیء است. پس فضای سالم یعنی فضایی که در هیچ شرایطی تصور دشمنی در آن نمی‌رود.

در امنیت برآمده از قرآن، مفهوم سلامت و ایجاد فضای سالم از محوریت خاصی برخوردار است به‌گونه‌ای که هر نماد دیگری را که بیانگر عدم سلامت محیط میان‌فردی باشد، برنمی‌تابد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۵: ۳۲).

قرآن نسبت به روش‌های ارتباطی افراد یک جامعه نیز حساس است و چون به دنبال ایجاد فضای امن و سرزمین امن است، نوع ارتباط میان افراد را با آشکارسازی سلام و اعلان وجود امنیت از سوی طرف مقابل تأمین می‌کند تا زمینه استقرار سرزمین امن را در

جامعه ایمانی در همه ابعادش فراهم آورد؛ زیرا تا افراد یک جامعه روش امن زندگی کردن را ندانند و چگونگی انتشار مفهوم امنیت را به‌درستی اجرا نکنند، امنیت مورد انتظار و گستردگی مورد پذیرش، شکل نمی‌گیرد.

قرآن با ارائه نوع خاصی از «تَحِیَّت» گفتن به همدیگر در هنگام مواجهه در اجتماع ایمانی، زمینه شکل‌گیری این هدف را فراهم آورده است (نور، ۶۱ و ۲۷؛ انعام، ۵۴؛ زخرف، ۸۹).  
 علامه طباطبایی نسبت به جایگاه سلام در شکل‌دهی به امنیت می‌گوید: «کلمه «سلام» تَحِیَّت است که گسترش صلح و سلامت و امنیت در بین دو نفر که به هم می‌رسند را اعلام می‌دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۳۲). این برداشت از مفهوم سلام را مفسران دیگر نیز ارائه کرده‌اند (ابن عاشور، بی‌تا، ۶: ۱۲۵ و ۱۹: ۲۸۳).

گستردگی بهره‌گیری از واژه سلام در قرآن، فضاهای ارتباطی متفاوت و زمینه‌های شکل‌گیری آن، فضای دربرگیرنده سلامتی و امنیت را ترسیم می‌کند. قرآن در جایی نشان می‌دهد فضای امن نتیجه یک فرایند سخت رفتاری و تلاش‌های مستمری است که نیازمند تحمل شدید است (رعد، ۲۳ و ۲۴). این فضای به‌دست‌آمده که محصول تحمل رفتارهای ویژه‌ای است، در یک برنامه رفتاری و اندیشه‌ای خاص که در فرایند برنامه‌ریزی دین فطری تعبیر شده است به دست می‌آید. رفتار مبتنی بر دین فطری اجازه شکل‌گیری ناامنی را از سوی افراد نادان نمی‌دهد، بلکه برآیند داده‌های این دین، رفتاری است که امنیت به‌دست‌آمده را استمرار می‌بخشد (فرقان، ۶۳).

آنچه از داده‌های قرآن به دست می‌آید این است که فرهنگ مبتنی بر دین فطری فضای ملت‌هتب جامعه را به فضایی آکنده از امنیت و سلامتی تبدیل می‌کند (قصص، ۵۲ و ۵۵). در تأثیرگذاری فرهنگ مبتنی بر دین فطری برای ایجاد فضای امن می‌توان به آیه «فَسَلِّمُوا لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ» (واقعه، ۹۱) بهره جست؛ بعید نیست بتوان از این آیه چنین برداشت کرد که فضای دارای امنیت از نگاه قرآن زمانی است که افراد جامعه با فرهنگ این دین رشد کرده باشند؛ زیرا اصحاب یمین، تربیت‌یافتگان دین فطری هستند که جامعه ایمانی را تشکیل می‌دهند و پیامبر خدا نیز رهبر این جامعه است. آیه، سلام را از سوی این افراد



مختص رهبر جامعه می‌داند تا نشان دهد رهبر از سوی جامعه ایمانی خاطری آسوده دارد. در تکمیل چنین فرایندی، در آیه ۵۶ سوره احزاب با قالب بیانی خاصی که از واژه سلام ساخته شده، نشان داده می‌شود که چگونه فرایند شکل‌گیری امنیت تحقق می‌یابد. در این آیه به جامعه ایمانی دستور جریان‌سازی فضای ماندگار سلامت‌محور در رابطه با رهبری جامعه را صادر می‌کند؛ دستوری که نسبت به جمله قبل از خود مورد تأکید نبوده است. این جریان ساختارمند نشان می‌دهد اول اینکه، قرآن به دنبال سامان دادن به جامعه‌ای با محوریت امنیت است و دوم اینکه، استمرار آن لازمه ایمان می‌باشد. آیه ۵۶ احزاب مطلب را چنین ارائه می‌دهد: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». در این آیه با بهره‌گیری از مفعول مطلق تأکیدی در جمله ناظر به امنیت و عدم بهره‌گیری در قسمت قبل، چنین برداشتی به دست می‌آید.

نقش و کارکرد داده‌های دین در شکل‌گیری امنیت بازتابی قابل ملاحظه در قرآن یافته است به گونه‌ای که با عبارات متفاوت نشان می‌دهد چگونه این داده‌ها فرایندی ماندگار را از امنیت به دست می‌دهد. ترتب سلامتی بر رفتارهای مبتنی بر ایمان و حیات‌بخشی به چنین جامعه‌ای (ابراهیم، ۲۳) از یکسو و تأکید بر ماندگاری امنیت برای کسی که تربیت یافته چنین داده‌هایی است (مریم، ۱۴ و ۱۵) از سوی دیگر، نشان از محوریت شکل‌گیری امنیت با داده‌های دین الهی و برآیند منحصربه‌فرد این دین در ایجاد امنیت دارد.

بهره‌گیری قرآن از واژه سلام در نقش‌بندی امنیت در روابط میان‌فردی کارکرد منحصربه‌فردی را در این واژه برای بیان چنین هدفی نشان می‌دهد؛ برای مثال در آیه ۶۸ و ۷۳ سوره زمر، طیب خاطر داشتن بیانگر فضایی است که در آن امنیت به معنای نبود ظلم و تعدی در روابط میان‌فردی معرفی شده است. این حالت در بهشت که با توجه به آیات قبل - «و وَفِيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ» - نتیجه عملکرد هر فرد و متناسب با آن است، نشان از وجود چنین حالت رفتاری جامعه ایمانی در دنیا دارد. از این گستردگی استفاده از واژه سلام و با توجه به مباحث هم‌نشینی و سیاق‌مندی این واژه، مشخص می‌شود امنیت قرآنی ناظر به نوع رفتارها و فرایند شخصیت‌ساز آن‌هاست که مبتنی بر داده‌های دین فطری تحقق خارجی یافته است.

**ب) اطمینان:** از دیگر واژگان کلیدی شبکه معنای امنیت، «اطمینان» است. این واژه به معنای سکون و آرامش و انس گرفتن (فراهمی، ۱۴۰۹، ۷: ۴۴۲) یا به معنای آرامش بعد از تحرک است (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۲۴). بازتاب معنادار این واژه در قرآن و واژگان هم‌سو با آن مانند «سکینه» نشان از محوریت چنین مفهومی در روابط انسانی دارد. بهره‌گیری قرآن از واژه سکینه در موارد خاص، مفهوم خاصی را به آن داده است تا تداعی‌کننده نوعی اطمینان و آرامش نفس همراه با خصوصیات و ویژگی‌های خاص باشد؛ چراکه شکل‌گیری آن همراه با نوعی منت و اتفاق ویژه مطرح شده است که از طرف خداوند برای گروه خاصی مانند شخص پیامبر و مؤمنان و اصحاب خاص ایشان داده می‌شود. قرآن کاربرد این واژه را معمولاً با سیاق خاص از واژگان و اتفاقات همراه کرده است (توبه، ۴۰؛ فتح، ۱۸). در جایی نیز نتیجه تحقق این نوع از آرامش را ازدیاد ایمان جامعه ایمانی می‌داند (فتح، ۴) و در مواردی نیز شکل‌گیری زمینه مناسب را در شخصیت افراد ایمانی برای تحقق این منظور گوشزد کرده است (فتح، ۲۶).

علامه طباطبایی وجود طهارت باطن و صفای درون را پیش‌نیاز تحقق سکینت دانسته و معتقد است این پیش‌نیاز آن چیزی است که از مجموعه آیات ناظر به این موضوع به دست می‌آید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹: ۲۲۳).

در این باره باید گفت با توجه به آیه ۶ سوره مائده، طهارت، برآمده از انجام دستورهای دین فطری است که در این آیه سه دستورالعمل از آن به‌عنوان صغرای قیاس بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۹۵). شکل‌گیری برآیند این دستورات همان شخصیت ایمانی افراد است که کارکردهای منحصربه‌فردی را رقم می‌زند و عدم شکل‌گیری نیز رفتارهای متناسب با خود را به ظهور می‌رساند (توبه، ۲۵). در این آیه سخن از فرار گروهی از یاران پیامبر در جنگ است که نکوهش شدید شده‌اند. در تحلیل باید گفت: استواری و پایداری گروهی اندک از یاران حضرت رسول (ص) نوعی عملکرد رفتاری است که مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی افراد است (اسراء، ۸۴) و شخصیت فرد نیز برآیند رفتار است و رفتار مؤمنان برآمده از داده‌های دین فطری است؛ پس این افراد کسانی هستند که بیشترین

همراهی را با دین داشته‌اند. این مطلب نشان می‌دهد انسان هرچه به فرهنگ دین نزدیک‌تر شود جامعه در فضای امن‌تری قرار می‌گیرد. این مطلب با توجه به آیه ۴ سوره فتح نیز ثابت می‌گردد؛ زیرا آیه نزول آرامش را بر قلوب مؤمنان دانسته و حکم را به ویژگی خاصی از مخاطبان، یعنی ایمان، معلق کرده است. این تغییر سیاق - سیاق قبل با ضمائر مخاطب بیان شده است - نشان می‌دهد سبب نزول سکینه، شکل‌گیری فرایند ایمان است که عدم تحقق آن می‌تواند مانع نزول چنین آرامشی گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۴۵).

تعلق اطمینان به قلوب خاص نیز از آیه ۲۸ سوره رعد به دست می‌آید؛ زیرا ترکیب این آیه بیانگر حصر اطمینان به ذکر خدا است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۳۵۵). ذکر خدا فرایندی پیچیده و دربرگیرنده انجام دستورهای الهی در مسیر هدایت‌پذیری است؛ زیرا در جملات قبل این اطمینان را به گروه مؤمنان نسبت داده است.

با توجه به آنچه گفته شد، امنیت که در مفهوم سلام و اطمینان و سکینت بازتاب یافته، برآیند رفتاری خاصی است که متناسب با فرهنگ توحیدمدار دین فطری تحقق می‌یابد و راه دیگری برای تحقق امنیت ماندگار و همه‌سونگرانه وجود ندارد.

### مفاهیم متضاد با امنیت

شناخت قیود تأثیرگذار در مفهوم امنیت، بررسی واژگان متضاد را ضروری می‌کند؛ به عبارت دیگر، برای شناخت شبکه معنایی امنیت غیر از واژگان هم‌افق با آن باید به واژگان متضاد نیز توجه شود. این واژگان در هم‌نشینی معناداری که با واژه امنیت پیدا کرده‌اند، می‌توانند زوایای پنهان معنای امنیت را آشکار سازند. برخی از این مفاهیم که بیانگر تضاد معنایی با مفهوم امنیت هستند دربرگیرنده نوعی تهدید بوده و قرآن ابراز تعجب می‌کند نسبت به اینکه افراد مورد خطاب با وجود چنین فضایی، پنداری امنیت‌محور دارند. در اینجا به تبیین برخی از مفاهیم متضاد می‌پردازیم.

۱. «مکر»: یکی از واژگان متضاد، «مکر» است که در ترکیب «مَکْرَ اللّٰهِ» فضایی رعب‌آور و تهدیدساز را ترسیم می‌کند. «مکر» در استعمالات خود نوعی چاره‌اندیشی برای

بازگرداندن کسی از هدفش می‌باشد اعم از اینکه حق باشد یا به باطل و معمولاً در مفهوم آن نوعی نفوذ تدریجی وجود دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۷۱؛ مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۱۴۳). در آیات ۹۷ تا ۹۹ سوره اعراف، هم‌نشینی واژه «مکر» با امنیت برای نشان دادن فضایی در برابر فضای «امن» استفاده شده است.

۲. «بأس»: این واژه به معنای سختی و ضرر و در بیان مصداقی آن، جنگ و ناامنی است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷: ۳۱۶). برخی نیز معنای آن را ترس همراه با شدت و سنگینی فضا دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۲۰). در آیه ۹۷ سوره اعراف، واژه «بأس» در معنایی متضاد با مفهوم امنیت استفاده شده است تا نشان دهد در مفهوم امنیت باید به دنبال روابط سالم و فضای صلح همراه با راحتی و استمرار حرکت جمعی در مسیر هدف - این مطلب با توجه به این است که لعب را متناسب با فضای بأس دانسته - بدون هر نوع مانعی بود.

۳. «خاسر»: از آنجا که در آیات پیش‌گفته دو مفهوم «مکر» و «بأس» جانشین مفهوم «خاسر» شده‌اند و خُسران نیز به معنای کم شدن سرمایه (راغب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۸۱) و زیان دیدن (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۴) است، نشان می‌دهد امنیت دربرگیرنده مفهومی است که سامان‌دهنده سرمایه انسان و متناسب با کسب سود است؛ از اینکه در این آیات لوازم شکل‌گیری فضای ناامنی را، بی‌توجهی جمعی و پرداختن به امور غیرضروری - لعب - دانسته است، به دست می‌آید فضای امن فضایی است که جریان جمعی جامعه هم‌سو با هم دارای اهداف قابل دفاع و دارای معرفت مقتضی نسبت به هر اتفاق مهمی است.

۴. «خوف» و «ترس»: این دو واژه در برخی آیات در مقابل مفهوم امنیت و هم‌نشینی با آن آمده است تا گوشه‌ای دیگر از مفهوم محوری امنیت را نشان دهد. برخی از آیاتی که مبین چنین ساختاری هستند تبیین‌گر فضایی از اجتماع می‌باشند که افراد در بهره‌گیری از داده‌های دین فطری کوتاهی کرده و سنت‌های رفتاری انسان‌محوری را جایگزین کرده‌اند؛ نظیر آنچه در آیه ۴۵ و ۴۷ سوره نحل آمده است. در این آیه هم‌نشینی دو واژه «تخوف» و «خسف» با امنیت بیان‌گر نوعی تضاد معنایی با مفهوم امنیت است که غیرقابل جمع بودن آن‌ها را نشان می‌دهد. «تخوف» به معنای جای‌گیری ترس در دل است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲: ۲۶۳) و «خسف»

به معنای «ناپدید شدن در زمین» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۹: ۶۷) است. مصطفوی از برخی لغت‌دانان چنین گزارش می‌کند که آن‌ها این واژه را با معانی «گرسنگی، کوری، از بین رفتن نور و ترس» توضیح داده‌اند (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۸). ترکیب «أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ» نشان می‌دهد ناامنی با وجود تمرکز مدیران جامعه و مورد انتظار بودن ناامنی برای آن‌ها محقق خواهد شد؛ درحالی‌که آن‌ها توان دفع آن را ندارند. این مطلب با توجه به ترکیب «يَأْخُذْهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ» نیز دست‌یافتنی است؛ زیرا تخوف به معنای جای‌گیری ترس در دل است که نوعی انتظار از واقعه‌ای ناخوشایند را در بردارد. این نوع از ناامنی بر اثر ارتباط فرایند پیچیده رفتار جمعی با حوادث نامتعارف و برهم‌زننده امنیت است که قرآن کریم آن را در قالب عدم پذیرش رفتار مبتنی بر داده‌های دین الهی تبیین می‌کند تا نشان دهد اول اینکه، انسان جزئی از نظام پیچیده هستی است و دوم اینکه، رفتار او بر شکل‌گیری حوادث پیرامون - اعم از حوادث جوئی و طبیعی و یا حوادث مبتنی بر روابط انسانی - اثر می‌گذارد.

۵. قرآن کریم شکل‌گیری ناامنی را در صورت بروز رفتارهای انسان‌محور و به دور از ابتنابخشی آن نسبت به دین الهی، با بیان‌های مختلف تبیین کرده است و در آیه ۶۸ و ۶۹ سوره اسراء، وجود چنین فرایند رفتاری را موجب شکل‌گیری جریان ماندگار ناامنی در زمین و دریا برای چنین جامعه‌ای دانسته است؛ بنابراین ناامنی در مفهوم قرآنی‌اش دربرگیرنده هر نوع ناملایمتی است که موجب از بین رفتن آرامش جاری در جامعه می‌شود و متضمن گسست روابط و جدایی افراد است؛ زیرا آن را با مفاهیمی بیان می‌کند که بیان‌گر مرگ و نیستی افراد است و مرگ نیز عامل جدایی و گسست روابط خواهد بود.

۶. قرآن کریم در جای دیگر برای امنیت موجودیتی غیر از رشد اقتصادی قائل شده است: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا...» (بقره، ۱۲۶) در این آیه، حضرت ابراهیم امنیت برای شهر مکه را درخواست کرده و روزی و رشد اقتصادی نیز برای گروه خاصی از افراد آن جامعه خواسته شده است. این مطلب می‌رساند مفهوم امنیت با وجود ابزار و رشد اقتصادی و رفاه متفاوت است به‌گونه‌ای که ممکن است رفاه و رشد اقتصادی نباشد،

ولی امنیت وجود داشته باشد؛ زیرا در پاسخ خداوند، رفاه و رشد اقتصادی برای غیر مؤمنان نیز پیش‌بینی شده است؛ درحالی‌که خداوند جامعه کفار را دارای امنیت واقعی نمی‌داند (مدثر، ۵۳). در سیاق کلمات آیه، خصیصه «عدم نگرانی» در ارتباط با امور آخرت با گروه کافران هم‌نشین شده است. نگران نبودن، بیانگر استقرار امنیت است و چون افراد این جامعه در مورد چیزی که به حکم عقل باعث نگرانی است، بیمی ندارند و نفسشان مطمئن است، خود را در فضای امنی می‌بینند که در واقع وجود ندارد (پرچم، عمادی اندانی، حاتمی، ۱۳۹۴: ۷). این آیات نشان می‌دهد امنیت در جامعه کفر به صورت واقعی استقرار نمی‌یابد.

۷. مفهوم «قتل» و زندان: آیه ۴ و ۵ سوره توبه جامعه ایمانی را به رعایت حقوق شهروندی درباره مشرکانی که با جامعه ایمانی پیمان بسته‌اند مأمور می‌کند و استمرار این فضای امن را تا پایان مهلت قرارداد لازم‌الاجرا می‌داند. از سوی دیگر در آیه بعد دستورالعمل اجرایی دیگری را صادر می‌کند که نشان می‌دهد محتوای دستور، رفتاری ضد امنیت است. این دستورها دربرگیرنده مفاهیم قتل و زندان و پیگیری شدید جریان شرک است. این تقابل نشان می‌دهد در مفهوم امنیت، امور یادشده جاری نیست. این تقابل در آیه ۶ که لفظ «مؤمن» ذکر شده، تصویر بیشتری یافته است.

۸. مفهوم «غارت» و «تخطف»: این مفهوم نیز از مفاهیمی است که با هم‌نشینی با واژه امنیت، بیانگر تقابل معنایی با آن است. آیات آتی بیانگر چنین تقابلی است: «وَقَالُوا إِن نَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا ...» (قصص، ۵۷) و همچنین آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ». (عنکبوت، ۶۷) «خطف» به معنای ربودن و گرفتن باسرعت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۸۶). استفاده آیه از واژه تخطف - که به معنای پذیرش ناامنی از سوی جامعه است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۸۶) - برای بیان مفهوم ناامنی، مشخص می‌کند از این واژه به‌مثابه استعاره استفاده شده است. استعاره موجود برای بیان غارت کردن و کشتن و اسیر کردن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۵۹). این تقابل هم در آیه نخست که از زبان مشرکان بیان شده و هم در آیه دوم که سخن خداوند است تأیید شده است؛ بنابراین می‌توان دریافت که امنیت مفهومی در مقابل «غارت» دارد.

۹. «افشای اسرار»: مفهوم دیگری که در تقابل با امنیت و در ساختاری ویژه هم‌نشین امنیت شده، عملکرد افشاگرانه اسرار است. این تقابل در این آیه آمده است: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ...» (نساء، ۸۳). این مفهوم که بیانگر افشا و بر ملا کردن اسرار درون‌سازمانی است، برای نشان دادن فضای ناامنی استفاده شده است. طبق تفسیری، محتوای این افشاگری، دستاوردهای جامعه ایمانی یا کمبودهای تأثیرگذار این جامعه است که در صورت انتشار می‌تواند دشمن را علیه آن‌ها تحریک کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۵۹). این مطلب، گستره مفهوم امنیت را در ساختار اجتماعی جامعه ایمانی نشان می‌دهد و بر ضرورت تقویت صفات و ویژگی‌هایی در جامعه ایمانی تأکید می‌کند که متضمن رازداری است.

۱۰. مفهوم «عدم آرامش»: این مفهوم نیز که در تقابل از امنیت آمده است، در آیه ۱۱۲ سوره نحل مورد تأکید قرار گرفته است.

### مفاهیم دربرگیرنده لوازم امنیت

با بررسی آیات دربرگیرنده مفاهیم ناظر بر امنیت، مشخص می‌گردد شکل‌گیری فضای امن با لوازمی همراه است. برخی از این لوازم عبارت است از:

#### ۱. داشتن سرزمین و محل استقرار

سرزمین مشخص و استقرار در آن را می‌توان نخستین لازمه از لوازم شکل‌گیری امنیت تلقی کرد؛ برای مثال در آیات زیر آمده است:

آیه «وَقَالُوا إِن نَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا...» (قصص، ۵۷).

و آیه «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ...» (عنکبوت، ۶۷).

در این آیات، با ایجاد تقابل میان دو مفهوم «استقرار در سرزمین» و «تخطف» (ربوده شدن از سرزمین) نشان می‌دهد که مفهوم امنیت دربرگیرنده داشتن فضای مناسب زندگی و سرزمین مستقل است.

آیه «... تَخَافُونَ أَنْ يَنْخَطِفَكُمْ النَّاسُ فَأَوَّاكُمْ...» (انفال، ۲۶) نیز با ایجاد تقابل میان «ترس از تَخَطُّفٌ» و «مکان‌دادن و یاری‌کردن» نشان داده است که ناامنی لازمه نداشتن سرزمین و دور ماندن از آن است؛ به عبارت دیگر، این آیه در مقام بیان این نعمت است که مسلمانان تا زمانی که در سرزمین مستقلى، یعنی مدینه‌النبي، استقرار نیافته بودند، پیوسته با ترس و عدم امنیت زندگی می‌کردند، اما با سکونت در این سرزمین، به اشکال مختلف مورد یاری قرار گرفتند.

استلزام «استقرار در سرزمین» را آیه دوم سوره مائده نیز می‌فهماند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...». خداوند در این آیه جامعه ایمانی را از برخی امور باز داشته است. نهی خداوند مبنی بر نفی إحلال است؛ یعنی «ای مؤمنان حلال شمارید» که به گفته علامه طباطبایی، یعنی حرمت این امور را نگه دارید؛ چراکه این امور به‌نوعی منسوب به خداوند هستند (طباطبایی، همان: ۱۶۲/۵). یکی از متعلقات‌های این دستور «آمین البیت الحرام» است؛ یعنی کسانی که قصد خانه خدا را دارند درحالی‌که به دنبال کسب روزی و فضل الهی هستند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳: ۸). إحلال این گروه به معنای ممانعت از انجام اعمال در سرزمین مکه است؛ پس عدم إحلال درواقع به‌جای مفهوم امنیت به کار رفته است. این جایگزینی دربرگیرنده امر به استمرار امنیت نسبت به این گروه در این سرزمین است که بیان‌کننده جایگاه سرزمین در شکل‌گیری امنیت است. شایان ذکر است که از نگاه قرآن مکه سرزمینی امن برای همه مردم است. این افراد که از سرزمین خود که در آن امنیت داشته‌اند برای اهداف عبادی یا تجاری وارد سرزمین مکه شده‌اند خداوند دستور استمرار آن امنیت را با محوریت سرزمین مکه صادر می‌کند. وجود امنیت سرزمینی در شکل‌گیری اهداف هدایتی خداوند از چنان جایگاهی برخوردار است که موضوع محوری درخواست حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> از خداوند قرار گرفته است (بقره، ۱۲۶). این نکته با توجه به این است که هدایت‌گران، محور درخواست‌های خود را سالم‌سازی فضای هدایتی قرار می‌دهند؛ درحالی‌که حضرت ابراهیم محور درخواست خود را امنیت شهر مکه قرار داده است - شهری که قرار است در آن جریان عمیق هدایت الهی شکل گیرد - و این، مبین جایگاه



امنیت سرزمینی در فرایند استقرار هدایت و رشد معنوی است. در این آیه، امنیت با شکل صرفی اسم فاعل نشان داده شده تا بر این نکته تأکید شود که ویژگی امنیت به‌طور مستقیم به سرزمین مربوط است. این نوع بیان در آیات دیگر (قریش، ۴ و ۳؛ قصص، ۵۷؛ عنکبوت، ۶۷) نیز تکرار شده است. استقرار امنیت سرزمینی منجر به استقرار عمومی امنیت می‌شود؛ به‌گونه‌ای که همه ساکنان سرزمین را اعم از مؤمن و غیر مؤمن در برمی‌گیرد. بازتاب چگونگی استجاب دعاى حضرت این برداشت را به دست می‌دهد (بقره، ۱۲۶).

محوریت سرزمین در موضوع امنیت از آیه هیجده سوره سبأ نیز قابل فهم است. این آیه آمدوشد بدون دغدغه در کشور را با مفهوم امنیت بیان کرده است.

## ۲. امنیت و دلیل محوری

با بررسی آیات ناظر بر امنیت مشخص می‌گردد امنیت مقوله‌ای است که با ادله و برهان همراه است و با رفتارهای خارج از برهان‌پذیری تناسب ندارد (نحل، ۴۵). دلیل محوری امنیت نتیجه‌ای دیگر نیز به همراه دارد و آن اینکه هر آنچه در امنیت تصور شود لزوماً امنیت نیست. می‌توان برخی از انواع امنیت‌های تصور شده را امنیت کاذب نامید (پرچم و عمادی و حاتمی، ۱۳۹۴: ۱۰). امنیت کاذب محصول اندیشه‌های نادرست انسان‌های غافلی است که گرفتار دام شرک و کفر شده‌اند؛ برای نمونه - قرآن گزارش می‌دهد - کافران به آخرت بی‌توجه هستند و نه تنها از این بی‌توجهی، هیچ هراسی در دل راه نمی‌دهند، بلکه نفسشان نیز مطمئن و آرام است و خود را در فضای امن تصور می‌کنند. از منظر قرآن، این امنیت تصور شده امنیت کاذبی است که محصول آن خسران می‌باشد (مدثر، ۵۳).

## ۳. امنیت و رونق اقتصادی و برنامه‌های دفاعی

از دیگر لوازم تأمین امنیت، برنامه‌های دقیق اقتصادی و نظامی است. با توجه به آیه ۲۶ انفال سه مفهوم «پناه داشتن»، «پشتیبان داشتن» و «آسودگی اقتصادی» جانشین مفهوم امنیت شده است؛ زیرا این سه مفهوم در مقابل خوف - واژه‌ای مقابل امنیت است - آمده است. از

سوی دیگر با توجه به آیات ۹۴ و ۹۷ سوره کهف «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْآنِ...» و «فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا» شکل‌گیری امنیت ملی مبتنی بر داشتن برنامه دفاعی منظم و متناسب با تهدیدها قلمداد شده است که بیانگر جایگاه خاص این‌گونه برنامه‌های کلان در استقرار امنیت است.

#### ۴. امنیت و تحول باورها و رفتارها

از لوازم قطعی شکل‌گیری امنیت در ساختار معرفتی قرآن، تحول در باورها و تنظیم روابط رفتاری بر اساس آن است. این مبحث در ادامه به صورت مستقل تبیین خواهد شد. زمینه شکل‌گیری امنیت از نگاه قرآن؛ تحول در باور و رفتار آیات متعددی به تبیین ضرورت تحول در باورها همراه با شکل‌گیری رفتارها بر اساس آن برای استقرار امنیت در جامعه ایمانی پرداخته‌اند. تأمل در این آیات نکات تأثیرگذاری را نمایان می‌سازد که برای رسیدن به امنیت ماندگار و ترسیم الگویی متناسب با آن ضروری است. در ادامه، برای تقریب شاکله کلی نگاه قرآن به تحول در باور و رفتار به مثابه مولد امنیت، ابتدا همه آیاتی که ناظر بر این تحول هستند را ذکر نموده و سپس تبیین آن در جهت تأمین امنیت آورده می‌شود:

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ ... وَكَيْبَدْتَهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ...» (نور، ۵۵).
۲. «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ» (نمل، ۸۹).
۳. «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ ...» (انعام، ۸۲).
۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ ...» (بقره، ۲۰۸).
۵. «أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ ...» (اعراف، ۹۷).
۶. «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (اعراف، ۹۹).
۷. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ...» (انفال، ۶۰).
۸. «... وَأَيُّهَا آمِنِينَ» (سبا، ۱۸).
۹. «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ... أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ» (شعرا، ۱۴۲ و ۱۴۶).
۱۰. «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً ...» (نحل، ۱۱۲).

## تبیین آیات ناظر بر تحول باور و رفتار به‌مثابه مولد امنیت

الف) آیه ۵۵ نور فراگرد ایمان و عمل صالح را عامل شکل‌گیری و استقرار امنیت و از بین رفتن ترس می‌داند. با توجه به این آیه و آیات سوم و چهارم سوره قریش، فرایند جانشینی امنیت با ترس و ناامنی در جامعه بر پایه تحول در اندیشه‌ها شکل می‌یابد. نکته‌ای که جامعه را به این حالت می‌رساند توجه خاص به خداوند و توحیدگرایی در عبادات است. این نکته را آیه «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸) تأیید می‌کند؛ چراکه مفهوم «اطمینان» جانشین امنیت است؛ بنابراین نخستین اقدام در ایجاد فضای مناسب شکل‌گیری امنیت، تحول عمیق در باورهای جامعه است. یاد خدا و عبادت او پیامد شناخت و معرفت نسبت به اوست؛ معرفتی که بیانگر شناخت تفصیلی صفات الهی از جمله قدرت بی‌مانع اوست. کسی که چنین باوری را در قلب می‌پروراند و خود را به دست مدیریت چنین خدایی می‌سپارد، نسبت به رفتار خود توجه ویژه می‌یابد و روابط انسانی خود را در برخورد با جامعه بر اساس اندیشه‌ای رشد می‌دهد که بازخورد آن کسب رضایت پروردگار باشد. این تحول رفتار در پی تحول در اندیشه ایجاد می‌گردد. عمومیت چنین رفتاری، اعتماد و احترام را در جامعه ایمانی نهادینه می‌سازد و بصیرت را در شناخت دشمن فعال می‌کند و در فرد احساس مسئولیت را نسبت به افراد ایمانی برمی‌انگیزد.

فراگیری چنین فرهنگ تحول‌سازی، ساختار جامعه ایمانی را با پشتوانه تفکر در قدرت الهی مستحکم کرده و از رسوخ اختلال در نظام رفتاری جامعه جلوگیری می‌کند. اختلال می‌تواند شامل پذیرش درخواست‌های دشمن باشد؛ ولی جامعه رشدیافته بر اساس فرهنگ توحیدی، قابلیت نفوذ را از دسیسه‌های دشمن می‌گیرد.

ب) ساختار بیانی آیه ۵۵ سوره نور و نیز آیات: «وَلْيَسِدْ لَكُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» و «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ، الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ» (قریش، ۳ و ۴) اول اینکه، امنیت را نتیجه فرایند مبتنی بر رفتار می‌داند؛ دوم اینکه، موضوع این فرایند انسان است؛ سوم اینکه، مبتنی بر رفتار خدامحور است؛ رفتاری که فقط بر تعالیم الهی تمرکز دارد. در این حالت است که افراد، خود محور امنیت می‌شوند و بر اثر تعاملات میان‌فردی، امنیت در سطح جامعه انتشار

می‌باید. تا زمانی که چنین تمرکزی در رفتار افراد شکل نگیرد امکان امنیت با چنین گستره‌ای محقق نخواهد شد؛ زیرا در غیر این صورت چنین وعده‌ای که نوعی منت الهی بر جامعه ایمانی است، جایی ندارد؛ چراکه هر جامعه انسانی با هر راهکار معرفتی می‌توانست به چنین هدف بزرگی برسد.

(ج) در آیه ۱۸ سوره سبأ امنیت شهرها و راه‌ها به تقدیر الهی نسبت داده شده است. تقدیر در قرآن کریم بیانگر فرایند علی اتفاقات است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۵: ۴۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵: ۱۷۵). اینکه خداوند امنیت در تعاملات روزمره را مبتنی بر تقدیر کرده، نشان‌دهنده وجودی بودن امنیت و فرایندمحوری آن است؛ فرایندی که مستلزم برنامه‌ریزی دقیق و متناسب با هدف‌گذاری در موضوع امنیت می‌باشد. این امنیت در شهرهایی گزارش شده که دربرگیرنده «برکت» از سوی خداوند است. با توجه به آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا...» (اعراف، ۹۶) برکت نتیجه ایمان و تقوای مبتنی بر آن است؛ بنابراین امنیت نتیجه رفتارهای دین‌مدارانه است که با گذشت زمان عدالت رفتاری را در جامعه نهادینه می‌کند. همچنین آیه مذکور بیانگر این نکته است که برنامه دقیقی که نظام علی در ایجاد امنیت بر آن مبتنا دارد باید برآمده از داده‌های دین الهی باشد؛ زیرا تمرکز بر رفتاری خاص عامل شکل‌گیری شخصیت و ملکات رفتاری است و با توجه به آیه «كُلُّ يَعمَلِ عَلٰی شَاكِلَتِهِ» (اسراء، ۸۴) لزوماً رفتارها بر پایه صفات شخصیت‌یافته، استوار است.

(د) آیات ۱۴۲ و ۱۴۶ سوره شعراء مبین آن است که پایبند نبودن جامعه دینی به آموزه‌های دین می‌تواند زمینه بروز آسیب در حوزه امنیت را فراهم سازد. آیات مذکور بیان می‌دارد عاملی که موجب قوام و استمرار امنیت می‌شود تلاش جامعه در راستای تقویت باورهای دین‌مدارانه است؛ باورهایی که در آن دشمن‌شناسی نیز تقویت می‌گردد. چنین جامعه‌ای از رفتار مبتنی بر کفران نعمت دوری گزیده و وجود امنیت را قدر می‌داند. جامعه مذکور این باور را به دست آورده است که عبور از شکر نعمت می‌تواند نعمت به دست آمده را بستاند. این نکته را آیه ۱۱۲ سوره نحل نیز تأکید می‌کند. این آیه سرزمینی را به تصویر می‌کشد که بر اثر فرایند شکرمحوری و ایمان‌مداری، امنیت اطمینان‌سازی را تجربه کرده

است؛ ولی با گذشت زمان و بر اثر دور شدن از فرهنگ به‌دست‌آمده، زمینه‌های بروز و ظهور ناامنی آشکار می‌گردد؛ این ناامنی بنا به تصریح آیه، دستاورد افراد جامعه و مردم آن شهر است؛ دستاوردی که نتیجه تحول فرهنگی آن می‌باشد؛ یعنی جایگزینی فرهنگ کفران نعمت با فرهنگ شکر که همان بهره‌گیری از نعمات الهی در جای مناسب و خواسته‌شده از سوی خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۳۸).

در توضیح بیشتر نکته فوق می‌توان گفت امنیت حاصل‌شده باید محصول رفتار درازمدت ساکنان آن سرزمین بر اساس دین الهی باشد که بر اثر کفران بعد از فرایند شکرگزاری، از آنان سلب گردید. از آنجا که زندگی شاکرانه پیامد شناخت دقیق نعمت و نعمت‌دهنده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۲۹۲) مشخص می‌گردد دین‌مداری در آن سرزمین جریانی طولانی‌مدت داشته است، به طوری که با گذشت زمان رفتارها بر اساس آن شکل گرفته و شخصیت افراد مبتنی بر آن ساختار یافته است. از زمانی که کفران - که محصول عدم شناخت نعمت و نعمت‌دهنده است - جایگزین گردید پیامد مبتنی بر آن یعنی ناامنی نیز آن سرزمین را فراگرفت. با توجه به عبارت «بما كانوا یصنعون» وجود یا عدم امنیت محصول رفتار جمعی جامعه است. از آنجا که در آیه فوق، امنیت و ناامنی به «قریه» نسبت داده شده، مشخص می‌شود آن دو محصول فرهنگ‌های مختلف‌اند. درواقع آنچه امنیت را ایجاد کرده فرهنگ امنیت‌ساز است و آنچه آن را از بین برده، فرهنگ مخالف آن است.

درواقع دو آیه ۱۴۲ و ۱۴۶ سوره شعرا ایجاد امنیت و زوال آن را در دو فرمول مشخص ارائه نموده و در یک ساختار علیّی قابل لمس چینش کرده است. آیه بر آن تأکید دارد که امنیت موجود بر پایه برنامه‌ای دقیق و فرموله‌شده به دست آمده است و هر رفتاری که در جامعه به‌عنوان جریانی رفتاری، شکل گیرد در تحولات بعد با محوریت امنیت، دخالت مستقیم می‌یابد. درواقع بودن و نبودن امنیت مانند هر اتفاق وجودی دیگر پیامد علل مشخصی است که با عبور از آن علل، معلول نیز دچار اختلال می‌گردد. ادامه آیه استمرار امنیت را به تقوای الهی و تنظیم رفتار بر اساس باورهای خدامحور منوط کرده است و از

آنجا که علت مُبْقِیَه با علت موجوده یکی هستند مشخص می‌گردد چنین جامعه امنی نتیجه رفتار جمعی تقوامحور بوده است.

ه) با توجه به آیات ۹۷ تا ۹۹ اعراف، امنیت امری واقعی است که با احساس وجود امنیت یا باور بدون پشتوانه متناسب با آن، ایجاد نمی‌گردد. آیه ۹۹ امنیت را امری خارج از احساس صرف دانسته و آن را پیامد عوامل مقتضی نشان می‌دهد و چنانچه نسبت به آن عوامل شناخت نباشد و تلاش برای بقای آن‌ها از بین برود، امنیت نیز از دست می‌رود.

نگاه احساسی به امنیت تنها از سوی افراد زیان‌دیده (خاسران) اتفاق می‌افتد؛ بنابراین امنیت نتیجه بهره‌گیری از توانمندی‌هاست و عدم بهره‌گیری از این توانمندی‌ها - که با عبارت خسران معرفی شده - فضای مناسبی را برای شکل‌گیری ناامنی ایجاد می‌کند. خسران به معنای عدم بهره‌وری از داشته‌هاست. عدم بهره‌گیری از توانمندی‌های افراد در واقع درافتادن در فضای بازی و رفتارهای بدون هدف است. این نوع رفتار عامل ایجاد ناامنی اجتماعی است؛ بنابراین برای استمرار امنیت باید رفتاری هدفمند و به دور از بی‌بندوباری انجام گیرد. رفتار بازی‌محور به معنای رفتار بدون برنامه و هدف قابل دفاع و مشخص است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۱۴۹) درحالی‌که دین به معنای برنامه مشخص برای دستیابی به هدف مشخص می‌باشد (همان، ج ۶: ۱۸۸ و ج ۷: ۱۹۲ و ج ۱۰: ۱۳۱). پس رفتار بازی‌محور در نظام معرفتی توحیدی به معنای رفتار غیر دین‌مدارانه است.

و) ایجاد امنیت ماندگار و فراگیر نتیجه هماهنگی باورها با نظام قانونمند هستی است که رفتارهای مناسب خود را اقتضا می‌کند. رفتارهای برآمده از چنین باوری، انسان را از سقوط در عملکرد ظالمانه بازمی‌دارد و صدق رفتاری را در او نهادینه می‌کند. این نکته در آیه ۸۲ سوره انعام «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ...» انعکاس یافته است. در این آیه، نفی رفتار ظالمانه با عبارت «لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» گزارش داده شده است. این نوع بیان مبین آن است که رفتار ظالمانه تناسبی با ایمان ندارد، زیرا لباس جزء بدن نیست؛ بنابراین شرط قطعی تحقق امنیت عمل متناسب با ایمان است (در آیه ۸۲ انعام، تقدم جار و مجرور بر «الأمن» دلالت بر حصر امنیت در این گروه می‌کند).

در آیه مورد بحث، هدایت محصول ایمان بدون رفتار ظالمانه تلقی شده و محصول این نوع ایمان انحصار امنیت برای آن جامعه است؛ پس اول اینکه، ایمان همراه با عملکرد ظالمانه فاقد نتیجه مطلوب است؛ زیرا هدف از ایمان شکل‌گیری هدایت است که آن هم محصول ایمان نتیجه‌بخش و اثرگذار در رفتار دانسته شده است. دوم اینکه، در آیه، عدم ظلم در سیاق نفی آمده است و این نوع بیان، هر نوع ظلمی را در برمی‌گیرد. پس زمانی امنیت کامل محقق می‌گردد که بتوان جامعه را از نظر فرهنگی به سوی روابط ایمان‌محور و دین‌مدار رهبری کرد. سوم اینکه، امنیت در آیه با توجه به هم‌نشینی آن با نفی ظلم، به‌گونه‌ای تصویر شده است که هر رفتار یا افکاری که مصداق ظلم باشد آن را دچار اختلال و نابودی می‌کند. پس امنیت ضد ظلم است و از آنجا که ظلم مفهومی مقابل عدل است می‌توان گفت امنیت در واقع همان جریان عدالت کلی در جامعه است. عدل سه محور را در برمی‌گیرد: عدل نظری و فکری، عدل عملی و عدل گفتاری؛ بنابراین امنیت همان عدالت در سه محور یادشده است.

ز) داشتن استحکامات نظامی و برنامه‌ای مشخص در راستای مقاوم‌سازی آن و ایجاد تناسب میان ابزار دفاعی موجود و تهدیدات دشمن همراه با زمینه درونی افراد (ایمان) در شکل‌گیری امنیت ماندگار اجتناب‌ناپذیر است. شاید چنین تلاشی مصداقی از عمل صالحی باشد که در آیات دیگر (انفال، ۶۰) تأکید شده است. تعبیر «ما استطعتم» در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ...» (انفال، ۶۰) نشان می‌دهد عملکرد صلاح‌محور افراد باید با همه توان باشد؛ بنابراین امنیت در حوزه اجتماع و نظام سیاسی با کم‌کاری و امید بستن به امور واهی تحقق نمی‌یابد. در واقع امنیت پیامد عملکرد برنامه‌محور جامعه ایمانی است که با شناخت کامل دشمن و توانمندی‌های او و تلاش مضاعف در رفع نیازهای جامعه صورت می‌گیرد. تعبیر عام «واعدوا... من قوه و رباط الخیل» بیانگر آن است که هر آنچه زمینه توانمندی جامعه را فراهم می‌آورد، اعم از برنامه‌ریزی دقیق و فرهنگ‌ساز و ترسیم روابط انسانی سالم و به دست آوردن ابزار جنگی بازدارنده هر نوع تهدیدی، باید مورد تأکید قرار گیرد. این مطلب با توجه به جداسازی دو مفهوم

«من قوه» و «رباط الخیل» به دست می‌آید. به عبارتی آنچه زایل‌کننده امنیت است اعم از حمله نظامی و تهدیدات فرهنگی است، پس باید گفت جامعه‌ای ایمن است که دارای انسجام فرهنگی و آینده‌نگری نظامی باشد.

## نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف شناخت و استخراج معنای امنیت و ارائه شبکه معنایی آن با توجه به دو عنصر جانشینی و هم‌نشینی نگاشته شده است. امنیت از مفاهیم کلیدی قرآن است که در گستره‌ای وسیع همراه با ارتباطیابی با مفاهیمی متنوع، بازتابی معنادار یافته است. قرآن مفهوم امنیت را در قالب واژگان متفاوت به کار برده است تا شبکه‌ای گسترده از معنا را در این موضوع ترسیم کند. امن، ایمان، استیمان، مأمن و قالب‌های دیگر در این ماده در کنار مفاهیم محوری «سلام»، «اطمینان» و «عدم خوف»، روابط معنایی ویژه‌ای را ترسیم می‌کند که برآیند آن نوع خاصی از جهان‌بینی در چگونگی تلقی جامعه از مفهوم امنیت و فرایند رسیدن به جامعه‌ای امن است. امعان‌نظر در آیات متعدد ناظر بر مسئله امنیت، نشان‌دهنده آن است که این مفهوم دربرگیرنده عناصر معنایی ویژه‌ای بوده که ضرورتاً در بستری مشخص شکل می‌گیرد و بدون وجود آن بستر، امکان تحقق امنیت به معنای قرآنی آن وجود ندارد. دستیابی به امنیت به معنای قرآنی مستلزم تمسک به فرآیندی روش‌محور است. در این راستا به رویکرد هم‌زمانی (Synchronic) مبتنی بر روش معناشناسی ایزوتسو توسل جستیم. در این فرایند، فهم معنا در چهارچوب روابط هم‌نشینی و جانشینی بر مبنای قرار گرفتن یک واژه در سیاق خاص تعیین می‌گردد. میان لفظ و معنا در زنجیره کلامی، رابطه‌ای افقی و عمودی برقرار است. رابطه افقی همان رابطه ترکیبی (هم‌نشینی) میان لفظ و معناهای زنجیره کلام است و رابطه عمودی رابطه انتخابی (جانشینی) میان لفظ و معناهایی است که می‌توانند جایگزین شوند. در این راستا، نخست معنای پایه و اساسی امنیت در قرآن شناسایی گردید و در مرحله بعد، تحول معنایی مفهوم امنیت در دستگاه معرفتی قرآن بر اساس ترسیم ضمنی شبکه معنایی



آن پیگیری شد. با تحلیل مفهومی دو واژه «سلام» و «اطمینان» مشخص می‌گردد این دو واژه دربرگیرنده معنایی هم‌افق با امنیت هستند که به دو کارکرد متفاوت از آن اشاره می‌کنند.

با بررسی آیاتِ دربرگیرنده مفاهیم ناظر بر امنیت، مشخص می‌گردد شکل‌گیری فضای امن مستلزم لوازمی است. برخی از این لوازم مهم عبارت است از: داشتن سرزمین و محل استقرار، دلیل‌محور بودن امنیت و همراهی آن با برهان و ادله، برنامه‌های دقیق رونق اقتصادی و دفاعی، تحول باورها و رفتارها و هماهنگی باورها با نظام قانونمند هستی و داشتن استحکامات نظامی و برنامه‌ای مشخص در راستای مقاوم‌سازی آن.

بنابراین در نتیجه‌گیری از مباحث مفهوم‌شناسی امنیت می‌توان گفت:

۱. قرآن کریم مفهوم امنیت را در فرایندی تحول‌ساز و با تشکیل روابط معناداری در به‌کارگیری آن با مفاهیمی مانند سلام، اطمینان، سکینت، نبود ترس و عدم ظلم معنایی ویژه را از آن ترسیم کرده است.

۲. از نگاه قرآن شکل‌گیری امنیت نیازمند تحولی عمیق در باورها و شکل‌گیری نظامی منسجم از رفتار مبتنی بر آن باورها است.

۳. قرآن کریم تصور شکل‌گیری امنیت را بدون پشتوانه دلایل متقن که در دین ارائه شده از سوی قرآن بازتاب یافته‌اند، امنیت ندانسته و آن را تصویری نادرست از مفهوم امنیت می‌داند.

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- قرآن کریم.
- ابن عاشورا، محمد بن طاهر، (۱۴۲۶ ق)، التحرير و التنوير، چاپ دوم، تونس، داراللحنون النشر و التوزيع.
- ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، (۱۴۱۶ ق)، لسان العرب، مصحح امين محمد عبد الوهاب و محمد الصادق العبيدى، بيروت، دار احياء التراث العربى و مؤسسه التاريخ العربى.
- ايزوتسو، توشى هيكو، (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، چاپ هشتم، تهران، شركت انتشار.
- بوزان، بارى، (۱۳۹۰)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشكده مطالعات راهبردى، چاپ سوم، تهران، پژوهشكده مطالعات راهبردى.
- پرچم، اعظم و عمادى اندانى، سميه و حاتمى، لاله‌زار، (۱۳۹۴)، «معناشناسى امنيت فردى در قرآن كريم»، كتاب قيم، سال پنجم، ش ۱۲.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، المفردات فى غريب القرآن، تحقيق: داوود صفوان عدنان، بيروت، دارالشاميه.
- سويينى، بيل مك، مقدمه‌اى بر جامعه‌شناسى امنيت، ترجمه محمدعلى قاسمى و محمدرضا آهنى، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگى، تهران، ۱۳۹۰.
- شريفى، على، (۱۳۹۲)، «نقد و بررسى آراى ايزوتسو در حوزه معناشناسى قرآن كريم»، مجله حكمت معاصر، سال ۴، ش ۳، پاييز ۱۳۹۲.
- طباطبائى، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ ق)، الميزان فى تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ پنجم.
- عبدالله‌خانى، على، (۱۳۹۲)، نظريه‌هاى امنيت، چاپ دوم، تهران، مؤسسه ابرار معاصر.
- فراهيدى، خليل بن احمد، (۱۴۰۹)، كتاب العين، تحقيق: مهدى مخزومى و ابراهيم سامرائى، قم، دارالهجره.
- فيومى، احمد بن احمد، (۱۴۱۴ ق)، مصباح المنير، قم، دارالهجره.
- قائمى‌نيا، عليرضا، (۱۳۸۹)، بيولوژى نص؛ نشانه‌شناسى و تفسير قرآن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى.
- مختار عمر، احمد، (۱۳۸۶)، معناشناسى، ترجمه سيد حسن سيدى، مشهد، دانشگاه فردوسى.

- مصطفوی، حسن، (۱۳۷۴)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطیع، مهدی؛ پاکتچی، احمد؛ نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۸)، «درآمدی بر استفاده از روش‌های معناشناسی در مطالعات قرآنی»، مجله پژوهش دینی، ش ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴)، تفسیر الکاشف، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نصری، قدیر، (۱۳۹۰)، درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها)، تهران، پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی.
- ویلیامز، پل. دی، (۱۳۹۰)، درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- هادی، اصغر، (۱۳۹۱)، «روشی نوین در معناشناسی مفاهیم و واژه‌های قرآنی»، مجله پژوهش‌های قرآنی، ش ۷۲، زمستان ۱۳۹۱.

#### ب. منابع انگلیسی

- A.s. Hornby. Oxford, Jahan-e, Danesh, Tehran, 2003, P1155.

